



The Study of Language and Style in Sam Shepard's Fool for Love

Ali Aghaei¹, Rajabali Askarzadeh Torghabeh^{2*},
Mahmoodreza Ghorban Sabbagh³

1. M.A Student, Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
3. Assistant Professor, Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 23/03/2019
Accepted: 1/07/2019

* Corresponding Author's
E-mail: asgar@um.ac.ir

Abstract

This article aims to investigate the language of 'May' and has presented a stylistic study of Shepard's *Fool for Love* (1983). To do the study, the writers of this article have benefited from 'Level of the Word', 'Level of the Phrase/Sentence' and 'Level of Discourse' presented by Sara mills. Using Mills' ideas, the problem suggested in this article is to show whether 'May' is a powerful character or not. The purpose of this article is to compare and contrast the character of 'May' with the male characters of the play, and answer the following: Is she always obeying male characters of the play? And according to critics, has Shepard presented a weak female character in the play? The findings of the study show that 'May' has a submissive character and cannot affect others around her. She is also weaker than the male characters of the play.

Methodology

Mills (1995) identifies three levels of analysis, the first of which is analysis at the level of the word (p. 62); at this level she identifies various methods that sexism is found in language, and they are as follows:

- Linguistic Determinism
 - Generic Pronouns
 - Generic Nouns
 - Women as the Marked Form
- (pp. 62-70)



Mills (1995) then goes on to discuss “Sexism and Meaning”, raising questions about the way in which meanings may be sex-specific; she discusses some problematic areas, namely:

- Naming and Androcentrism
- The Semantic Derogation of Women
- Endearments and Diminutives
- Female Experience: Euphemism and Taboo
- Lexical Gaps: Male Point of View
- Dictionaries and Gatekeepers

(pp. 77-94)

The second level of analysis which Mills (1995) proposes is analysis at the level of the phrase/sentence; she expands by suggesting areas that require particular attention in an analysis, said areas being:

- Ready-made Phrases
- Presupposition and Inference
- Metaphor
- Jokes and Humour
- Transitivity Choices

(pp. 98-110)

Regarding transitivity, Mills (1995) states that it has to do with the “representation of who acts (who is an agent) and who is acted upon (who is affected by the actions of others)”; she goes on to explain that there are three types of choices: “material, mental and relational” (p. 110). Mills (1995) elaborates further:

In this system, processes can be categorized into those elements which are actions which can be observed in the real world and which have consequences (material), for example, ‘She swam across the river’; those which take place largely in the mind (mental), for example, ‘She thought about the situation’; and those which simply relate two elements together (relational), for example, ‘It is rather cold’. Within material action processes, there are two further choices, between ‘material action intention’ and ‘material action supervention’: with material action intention, there is a clear will to do something, for example, ‘I broke the window, in order to get into the house’; but with supervention, there is an attempt to capture for analysis



those verbal processes where things are not done intentionally, for example, 'I broke my favourite glasses'. (pp. 110-111)

As has become clear, transitivity allows for investigation into whether a character is active or passive, and also whether a character manages to have an effect on her surroundings and other characters.

The final level of analysis Mills (1995) observes is the level of discourse; she indicates a few areas for analysis at this level which consist of:

Characters/Roles

Fragmentation

Focalization

Schemata

(pp. 123-148).

Conclusion

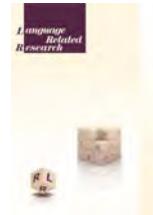
From the very beginning of the play, Eddie is shown as the active character while May remains the passive one. Also, inferences were made that May cannot provide for herself, coupled with the fact that May is the goal of Eddie's material-action-intention act, shows that May is the powerless passive goal whereas Eddie is the powerful active agent. Even when May makes Eddie the goal of her act, Eddie is simultaneously doing the same, and the difference is that May is physically subordinated as well. In excerpt 2, Eddie's belief that May needs someone to check up on her, suggests that May cannot take care of herself, and as such she is viewed as powerless and inferior. The aforementioned presupposition is indicative of an anti-feminist viewpoint in the play. Eddie proceeds by using a material-action-intention act whereas May uses an internal mental process, and said processes point to Eddie being powerful and active while May is powerless and passive.

Excerpt 3 begins with Eddie using a "ready-made phrase" to indicate that because May has aged, she should not be dating, and this is a negative view designed to damage May's perception of herself to make her believe she is not attractive. Eddie goes on to threaten May with material-action-intention acts, which show May's subordination and powerlessness. Therefore, the exchanges between Eddie and May are dominated by the former, and this suggests the subordination of femininity. In the fourth excerpt, May uses a relational process which suggests that she is a passive character; the fact that



T. M .U.

Language Related Research
E-ISSN: 2383-0816
Vol.11, No.4 (Tome 58),
September, October & November 2020



said relational process is used to hide her date from Eddie, further supports her passivity and powerlessness. May's identity is also brought into question because she does not influence Eddie, and simply reacts to his words and action not being able to instigate anything.

Keywords: Fool for Love, Level of the Word, 'Level of the Phrase/Sentence' and 'Level of Discourse', Stylistics.





دوماهنامه علمی- پژوهشی

۱۱، ش. ۴ (پیاپی ۵۱)، مهر و آبان ۱۳۹۹، صص ۲۵-۶۸

زبان و سبک گفتار شخصیت در نمایشنامه مجنون محبت

نوشته سام شپرد

علی آقائی^۱، رجبعلی عسکرزاده طرقبه^{۲*}، محمود رضا قربان صباح^۳

۱. کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۳. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۰

دریافت: ۹۸/۰۱/۰۳

چکیده

این مقاله به بررسی زبان و سبک گفتار شخصیت «می» (May) در نمایشنامه مجنون محبت، نوشته سام شپرد می‌پردازد. برای بررسی زبان و مطالعه سبک گفتار این شخصیت، از نظریه‌های سبک‌شناسی سارا میلز استفاده شده است که متون را در سه سطح کلمه‌ای، جمله‌ای و گفتمان بررسی می‌کند. مسئله‌ای که نویسنده‌گان در این مقاله مطرح کرده‌اند این است که با استفاده از ایده‌های سارا میلز، مشخص کند که آیا شخصیت «می» فعال و قدرتمند است یا خیر. همچنین، هدف این مقاله آن است که شخصیت می را نسبت به شخصیت‌های مرد در این نمایشنامه بسنجد و مشخص کند که آیا این شخصیت زن مطیع شخصیت‌های مرد است و آن‌چنان که برخی منتقدان ادعا می‌کنند، تصویری ضد زن از او ارائه شده است یا خیر. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که می شخصیتی مطیع دارد که توانایی اثرگذاری بر محیط و اطراف اینش را ندارد و نسبت به شخصیت‌های مرد نمایشنامه دارای ضعف‌های بیشتری است.

واژه‌های کلیدی: مجنون محبت، سبک‌شناسی، سطح کلمه، سطح جمله، سطح گفتمان.

۱. مقدمه

بر آثار سام شپرد نقدهای متفاوتی شده است. ماروفسکی^۱ می‌گوید شپرد به منزله یکی از بحث‌برانگیزترین نمایشنامه‌نویسان امریکا شناخته می‌شود و او را «شجاع و آماده آزمون و خطأ» می‌داند (264: 1985). نکته مذکور در نمایشنامه *مجفون محبت*^۲ (1983) قابل مشاهده است و این نمایشنامه موضوعاتی همچون رابطه نامتعارف برادر و خواهر را بیان می‌کند و به صورت عمیق، نگاهی دارد به مشکلات «عشق، قدرت خانوادگی و ازبین رفتن رؤیای امریکایی» Marowski, (1985, 264). با استفاده از «ادی» و «می» - که شخصیت‌های اصلی نمایشنامه هستند - شپرد مرزهای مسائل متعارف و غیرمتعارف جامعه را می‌آزماید و حتی از مرزهای متعارف فراتر می‌رود. «پیرمرد»، شخصیت دیگر نمایشنامه، همیشه نزدیک تخیل ادی و می‌حضور دارد و لحظه‌ای آن‌ها را به حال خود رها نمی‌کند. ادی و می نمایانگر بخش حقیقی نمایشنامه هستند، در حالی که پیرمرد به منزله یادگاری از گذشته پیچیده آن‌ها ایفای نقش می‌کند و به این صورت است که شپرد از مسائل عادی فاصله می‌گیرد و خود را به ادغام زیبای واقعیت و خیال گرایش نشان می‌دهد.

ماروفسکی می‌گوید نمایشنامه‌های شپرد ترکیبی است از «حقایق و اساطیر» (*ibid*). این نکته در این نمایشنامه نیز قابل مشاهده است. *مجفون محبت* داستان ادی و می را روایت می‌کند که در گذشته با یکدیگر رابطه‌ای داشته‌اند. آن‌ها در دیبرستان این رابطه را آغاز می‌کنند و از اینکه خواهر و برادرند بی‌خبر بوده‌اند. پدر آن‌ها - که در نمایشنامه به منزله «پیرمرد» شناخته می‌شود - زمانی که همسر مادر ادی بود با مادر می‌هم رابطه داشته و ادی و می هم از این رابطه بی‌خبر بوده‌اند. البته، مشخص می‌شود که حتی بعد از اینکه ادی و می متوجه می‌شوند، درواقع با هم خواهر و برادر هستند باز هم رابطه خود را ادامه می‌دهند تا اینکه مجدداً در مسافرخانه‌ای - که محل وقوع داستان است - بار دیگر بهم می‌رسند.

مسئله‌ای که در این مقاله مطرح شد، این است که با استفاده از ایده‌های سارا میلز^۳ درباره سبک‌شناسی فیلیستی، شخصیت‌های ادی و می بررسی شوند و مشخص شود که آیا شخصیت می‌فعال و قدرتمند است یا خیر. نظرات ضد و نقیض مانند نظر کلن^۴ (1998:4) - که نمایشنامه را نقطه عطفی می‌داند، در حالی که وايتینگ^۵ (1990: 494) می‌گوید، شخصیت‌های زن در نوشته‌های شپرد قابل تحسین نیستند - مسئله تحقیق را پررنگ‌تر می‌کند.

پرسشی که در این مقاله مطرح می‌شود آن است که آیا شخصیت می‌در این نمایشنامه به اندازهٔ شخصیت‌های مرد قوی است؟ این بررسی بر آن است تا مشخص کند که آیا این شخصیت زن، مطیع شخصیت‌های مرد است و تصویری ضد فمینیستی از او را ثبت شده است یا خیر. تاکنون نظرات ضد و نقیضی در ارتباط با فمینیسم و مرد سالاری مطرح شده است که به برخی از آن‌ها در بخش پیشینهٔ تحقیق پرداخته خواهد شد. وجود نظرات متفاوتی مانند بنت^۱ (1993: 170) که شخصیت‌های زن شپرد را «ناتوان» می‌خواند، در صورتی که هال^۲ (1993: 151) دیدگاه مثبتی به شخصیت زن نمایشنامه دارد توجیهی است برای بررسی مجدد نمایشنامه از دیدگاهی جدید.

۲. پیشینهٔ تحقیق

خدادادی و قاسم‌زاده توضیح می‌دهند که:

بر این باوریم که هر داستان نشان‌دهنده یک تغییر وضعیت در کنشگر/ کنشگران است و فرضیهٔ پژوهش حاضر نیز به این صورت مطرح می‌شود که هر «داستان تلاش برای رفتن از موقعیتی به موقعیت بهتر و مطلوب‌تر است» حتی در کوچکترین داستان‌های خلق‌شده نیز می‌توان این تغییر وضعیت را مشاهده کرد (۱۳۹۷: ۲۶).

بر اساس نکتهٔ قیدشده می‌توان با در نظر گرفتن اینکه آیا شخصیت زن به موقعیت بهتر می‌رسد یا خیر درمورد تصویر ارائه شده از او به بحث و تحلیل پرداخت.

کلنز (4: 1998) می‌گوید که فمینیست‌ها دربارهٔ نحوه‌ای که شپرد شخصیت‌های زن نمایشنامه‌های خود را به تصویر می‌کشد، نگرشی منفی دارند. او بیان می‌کند که مجنون محبت نقطهٔ عطفی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا گفته می‌شود در این اثر، زنان بهتر نمایش داده شده‌اند. بر اساس نظرات کلنز می‌توان نتیجهٔ گرفت که مسائل فمینیستی، حتی با تلاش شپرد برای ایجاد تغییرات، نیاز به بررسی بیشتری در آثار وی دارد.

اسمیت^۳ (37: 1998) می‌گوید که فرهنگ مرد سالاری در نوشتتهای شپرد از سوی منتقدان از نظر ایدئولوژیکی دارای اشکالاتی است. بیگزبی^۴ (20: 1998) معتقد است که شخصیت‌های شپرد ساکن مکانی هستند که نیازهایشان آن را شکل داده و رابطه‌هایشان در این مکان، شخصیت آن‌ها را می‌سازد.

وایتینگ (494: 1990) می‌گوید که شپرد هیچگاه به دلیل روشهایی که شخصیت‌های زن را به

تصویر کشیده، تحسین نشده است. واپتینگ (1990: 494-495) توضیح می‌دهد که شپرد از تصویر سنتی زن به منزله فردی کم‌هوش نسبت به مرد استفاده می‌کند. برخی از شخصیت‌های زن شپرد حتی قبول دارند که نسبت به مردان کمبود دارند.

مکانا (1995: 65) می‌گوید؛ چون شپرد بیشتر روی نکات هویتی شخصیت‌های مرد تمرکز می‌کند، شخصیت‌های زن در نمایشنامه‌های او به حاشیه رانده می‌شوند و این سبب شده است برخی شپرد را به منزله فردی که علیه حقوق زنان قلم می‌زند، به شمار بیاورند. ایده‌های مکانا تأییدکننده این نکته است که شخصیت‌های زن شپرد از سوی شخصیت‌های مرد سرکوب می‌شوند.

بنت (1993: 169) اعتقاد دارد که نمایشنامه‌های شپرد ساخته یک مرد و برای خواننده مرد است. به‌نظر می‌رسد حتی با تغییراتی که شپرد در روش خود ایجاد کرد که نمونه اول آن مجذون محبت بود، نتوانست شاخصه مردسالاری را از آثار خود دور کند. بنت می‌گوید، شخصیت‌های زن در آثار شپرد در موضع «ناتوان» قرار می‌گیرند و توضیح می‌دهد که خوانندگان زن هم این نقش را می‌پذیرند و با شخصیت قربانی ارتباط برقرار می‌کنند (*ibid*: 170).

حال (1993: 151) می‌نویسد در طول نمایشنامه مجذون محبت، می‌از یک شخصیت «ساكت و شئ مورد تقاضای مرد - که به حاشیه رانده شده - به فاعلی سخن‌گو» تغییر پیدا می‌کند. نکته مهم اینکه آنچه می‌بیان می‌کند، مهم است؛ اما تأثیر سخن‌های می‌مهمتر است. به همین دلیل، باید بررسی شود که آیا حرف‌های می‌تأثیری بر محیط اطراف دارد یا خیر. حال معتقد است که چون می‌بهطور فیزیکی به ادی حمله می‌کند، پس می‌توان گفت که قدرت او را زیر سؤال می‌برد و به همین دلیل می‌دیگر یک «قربانی منفعل» نیست و هال می‌گوید که این با آثار قبلی شپرد تفاوت دارد (156-157). این نظر هال باید بررسی شود تا مشخص شود که آیا واقعاً مردسالاری در این نمایشنامه از بین رفته و یا هنوز می‌مانند سایر شخصیت‌های زن شپرد در سلطه مردان است.

نکته مهم در این تحقیق، تمرکز بر روی گفتمان شخصیت‌هاست که چنین رویکردی در بررسی این نمایشنامه تا به حال استفاده نشده است و این روش می‌تواند پاسخی برای ابهامات و نظرات ضد و نقیض به وجود آمده در سایر تحقیقات باشد.

۲. روش و رویکرد تحقیق

میلز (1995: 62) سه سطح برای تحلیل متن از دیدگاه سبک‌شناسی فمینیستی ارائه می‌کند که اولین سطح، سطح کلمه^{۱۰} است. در این سطح او راههای مختلفی را شناسایی می‌کند که تبعیض جنسی به وسیله آن‌ها وارد زبان می‌شود: جبرگرایی زبانی^{۱۱} (مانند «chairman» و «chairperson»). گفته شده که کلمه «chairman» همچنان وجود داشته است و فقط تفاوت‌های مرد و زن را برجسته می‌کند) ضمایر عام^{۱۲} (مانند استفاده از «he» برای مرد و زن) اسامی عام^{۱۳} (مانند «mankind» که از کلمه «man» استفاده می‌کند؛ اما به مرد و زن اشاره می‌کند).

زنان به منزله جنسیت نشان‌دار در زبان^{۱۴} (پسوندۀایی مانند «-ess» در کلمه‌هایی که به زنان اشاره دارد) (Mills, 1995: 62-70).

میلز (1995) در قسمت «تبعیض جنسی و معنا» پرسش‌هایی را - درمورد اینکه معانی چطور می‌توانند مربوط به جنسیت خاصی باشند - مطرح می‌کند؛ او به برخی از قسمت‌های مشکل‌ساز زبان می‌پردازد:

نامگذاری و مردسالاری^{۱۵} (درنظر گرفتن زبان به منزله دست‌ساخته مردان، زیرا در برخی از موارد کلمات مناسبی برای اشاره به اعضای بدن زن وجود ندارد، در حالی که برای اعضای بدن مرد این گونه نیست).

تبعیض معنایی نسبت به زنان^{۱۶} (کلماتی که شکل مؤنث آن معانی ضمیمنی مخربی دارد مانند «master» به معنی ارباب و «mistress» به معنی زنی که رابطه نامشروع دارد)

کاربرد واژگان حاکی از تحییب و تغییر^{۱۷} (مانند «my bird» برای اشاره به همسر).

تجربه مؤنث: حسن تعبیر و تابو^{۱۸} (مانند جایگزین‌هایی غیرعلمی برای اعضای بدن زن).

خلاً واژگانی: دیدگاه مردسالاری^{۱۹}

لغت‌نامه‌ها و نگهبانان زبان^{۲۰} (مانند تصویر نامطلوبی که انجیل از زنان ارائه می‌دهد) (ibid: 77-94).

سطح دومی که میلز برای تحلیل ارائه می‌کند، سطح جمله^{۲۱} است. او توضیح می‌دهد برخی نکات در جمله وجود دارد که نیازمند توجه ویژه‌ای است:

گزاره‌های از پیش آمده^{۳۳} (مانند «پشتیبان هر مرد موفق، یک زن است» که نقش زن را فقط کمک به مرد نشان می‌دهد).

پیش‌فرض و استنتاج^{۳۴} (مانند «مشاغل را به مردانمان برگردانید»)

استعاره^{۳۵}

لطیفه^{۳۶} (مانند سخنانی که زنان یا قشر خاصی از آن‌ها را به سخره می‌گیرد) انتخاب‌های گذرايی^{۳۷} (*ibid*: 98-110).

میلز درباره انتخاب‌های گذرايی می‌گويد، به اینکه «چه کسی کنشگر است و چه کسی معلول» مربوط می‌شود. وی توضیح می‌دهد که سه تقسیم‌بندی فرایندهای اصلی در انتخاب‌های گذرايی وجود دارد: «مادی^{۳۸}، ذهنی^{۳۹} و رابطه‌ای^{۴۰}» (*ibid*: 110). میلز سپس ادامه می‌دهد: در این سیستم، فرایندها به چند طریق قابل دسته‌بندی هستند: کنش‌هایی که در دنیای مادی قابل مشاهده هستند و پیامد دارند (مادی)، مانند: «او عرض رودخانه را طی کرد»؛ کنش‌هایی که در ذهن به وقوع می‌پیوندد (ذهنی)، مانند: «او درمورد وضعیت به تفکر پرداخت» و درنهایت، کنش‌هایی که دو چیز را بهم ربط می‌دهند (رابطه‌ای)، مانند: «هوا سرد است». فرایندهای مادی کنشی^{۴۱} به دو دسته «ارادی^{۴۲}» و «غیرارادی^{۴۳}» تقسیم می‌شوند: در فرایندهای مادی کنشگر با اراده کاری انجام می‌دهد، مانند: «پنجره را شکستم تا به خانه وارد شوم»؛ ولی درمورد فرایندهای کنشی غیرارادی سعی بر این است افعالی بررسی شود که غیرارادی است، مانند: «عینک مورد علاقه‌ام را شکستم» (*ibid*: 110-111).

میلز توضیح می‌دهد فردی که فرایند را انجام می‌دهد «کنشگر^{۴۴}» و مفعول «هدف^{۴۵}» نام دارد و می‌گوید که فرایندهای ذهنی به «درونی و بیرونی» تقسیم می‌شوند (*ibid*). همان‌طور که از شواهد پیداست، بررسی حالت انتخاب‌های گذرايی تحقیق درباره افعال یا کنشگری اشخاص را ممکن می‌سازد و همچنین، می‌توان بررسی کرد که آیا شخصیت‌ها بر دیگران تأثیر دارند یا خیر. سطح سومی که میلز (*ibid*) ارائه می‌کند، سطح گفتمانی^{۴۶} است (گفتمان به منزله روابط رودررو توصیف می‌شود) (Culpeper et al., 1998: 4) که شامل مواردی است که آورده می‌شود:

شخصیت‌ها و نقش‌ها^{۴۷} (مانند توصیف شدن بیش از حد ویژگی‌های ظاهری زن نسبت به مرد).

تکه تکه شدن^{۷۸} (اشاره به اعضای بدن زن به جای شخصیت یا شناخته شدن زن به منزله شیء).

کانونی سازی^{۷۹} (از دید چه کسی داستان روایت می‌شود) طرح‌واره^{۸۰} (اطلاعات عامی که بر اساس پیش‌فرضهایی هستند) (Mills, 1995: 123-148).

۴. تحلیل متن

۴-۱. بخش اول

اهمیت این قسمت از نمایشنامه به این دلیل است که اولین تجربه خواننده از شخصیت‌ها را به همراه دارد. در بند ۱ نکات مهمی درمورد شخصیت‌ها نهفته است. در این قسمت از نمایشنامه می‌ادی را متهم می‌کند و می‌گوید که بوی زن دیگری را می‌دهد و اشاره به این امر دارد که ادی با زن دیگری رابطه داشته است. ادی این اتهام را رد می‌کند و خود را آرام شنан می‌دهد.

۱. ادی. (نشسته) می‌بین. می؟ من هیچ‌جا نمی‌رم. می‌بینی؟ {...} (آرام بلند می‌شود و به سمت می‌رود، سر او را نوازش می‌کند، در حالی که می‌بی‌حرکت است). می؟ بیا دیگه. نمی‌تونی این- طوری همین‌جا بشینی. اصلاً چند ساعته اینجا نشستی؟ می‌خوای برم بیرون یه چیزی برات بگیرم؟ چیپس یا چیز دیگه‌ای نمی‌خوای؟ (ناگهان پای ادی را محکم با دو دستش می‌گیرد) من از اینجا نمی‌رم {...}. (می‌پایش را محکم‌تر می‌فشارد، سرش را به پاهای او می‌چسباند، ادی هم می‌ایستد و سرش را نوازش می‌کند) می؟ پامو رها کن، باشه؟ عزیزم؟ برو بخواب. باشه؟ (می‌سرش را با عصیانیت تکان می‌دهد و پایش را رها نمی‌کند) {...} می‌باید من رو رها کنی، باشه؟ (می‌پایش را رها می‌کند و به حالت اولیه‌اش باز می‌گردد). حالا دراز بکش و سعی کن آروم باشی (ادی سعی می‌کند او را به آرامی سر جایش بخواباند. می‌بهشدت عصیانی می‌شود و با ضربه‌ای که به ادی می‌زند او را به طرف در سمت چپ صحنه نمایش هل می‌دهد. ادی عقب‌نشینی می‌کند. می‌سریع به سمت تخت بر می‌گردد. پس از وقفه‌ای کوتاه ادی دوباره سخن می‌گوید). می‌خوای من برم؟

۲. می (سرش را به نشانه نفی تکان می‌دهد) نه.

۳. ادی. پس چی می‌خوای از من؟

۴. می. بو می‌دی.

۵. ادی. من بو می‌دم؟
۶. می. بو می‌دم.
۷. ادی. چندین روز پشت فرمان بودم.
۸. می. انتگشتات بو می‌دم.
۹. ادی. بوی اسپه.
۱۰. می. بوی ... اون زن رو می‌دم.
۱۱. ادی. اذیت نکن می.
۱۲. می. بوی آهن می‌دم.
۱۳. ادی. دوباره این حماقت رو شروع نکن.
۱۴. می. بوی ... زن پولدار.
۱۵. ادی. باشه هر چی تو بگی.
۱۶. می. خودت می‌دونی که راست می‌گم^۱ (Shepard, 1983: 8 - 9)

۴ - ۱ - ۱. تحلیل بخش اول

در بند اول، ادی به گونه‌ای با می سخن می‌گوید که گویا او کوکی بیش نیست و هنگامی که ادی سر می را نوازش می‌کند، می در جایگاه هدف فرایند مادی کنشی ارادی قرار گرفته است، در حالی که ادی کنشگر است. به این صورت است که ادی به منزله کنشگری فعال شناخته می‌شود، در حالی که «می» یک هدف بی‌نقش است. بر اساس نظرات میلز در بخش پیش‌فرض و استنتاج، از سخنان «ادی» می‌توان استنتاج کرد که او بر این باور است که می نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای خود باشد و این‌طور به‌نظر می‌رسد که منتظر ادی بوده است تا برایش چیزی فراهم کند که از گرسنگی تلف نشود. به همین دلیل، در بند یک، تصویر قابل قبولی از یک زن ارائه نمی‌شود. با اینکه توضیح می‌دهد که می پای ادی را می‌گیرد و ادی را هدف فرایند مادی کنشی ارادی خود قرار می‌دهد، باز هم نمی‌توان می را به منزله یک کنشگر فعال شناخت؛ زیرا می بر روی زمین قرار دارد و پایین‌تر از ادی است و همین حالت آسیب‌پذیر نسبت به ادی هرگونه برتری را از می سلب می‌کند. همچنین، کارهای می نشان‌دهنده وابستگی عاجزانه او به ادی است.

بعد از اینکه ادی باری دیگر به می قول می‌دهد که ماندگار است، می دوباره با گرفتن پاهای

ادی او را هدف فرایند مادی کشی ارادی خود قرار می‌دهد؛ اما ادی همین کار را با نوازش سر می‌انجام می‌دهد. زمانی که این دو فرایند با هم مقایسه شوند، می‌توان نتیجه گرفت که شخصیت زن وابسته نمایش داده می‌شود، در حالی که «ادی» از نظر فیزیکی و ذهنی، برتر به نظر می‌رسد. ادی از لفظ «عزیزم» (Honey) برای خطاب کردن می‌استفاده می‌کند که می‌توان آن را به منزله یک کلمهٔ تحبیب و تحریر (که زیر شاخهٔ «تبغیض جنسی و معنا» می‌لیز قرار می‌گیرد) در نظر گرفت؛ زیرا «ادی» قصد دارد به وسیلهٔ آن می‌را مطیع خود کند و آرام کند و چون ادی سعی می‌کند می‌را همانند یک کودک بخواباند، می‌توان گفت که کارهای او تحریرآمیز است. بند اول با ضربهٔ می‌پایان می‌یابد. می‌بهمنزله کنشگر، ادی را هدف فرایند مادی کشی ارادی خود قرار می‌دهد؛ اما تأثیر این فرایند به دلیل اعتراف می‌- به اینکه دوست ندارد ادی برود - کم می‌شود؛ درنتیجه، می‌در بند ۲ در واقع کارهای خود را نفی می‌کند. کنگ و وو^۴ (2015: 1201) توضیح می‌دهند، برای اینکه یک شخصیت فعال شناخته شود، باید کنشگر تعداد زیادی از فرایندهای مادی کشی ارادی باشد؛ اما در مرور می‌می‌توان ادعا کرد خود او سبب می‌شود از تأثیر فرایندهایی - که شاید او را فعل نشان دهد - کاسته شود.

در بند ۳ ادی بار دیگر می‌را با استفاده از کلمهٔ «پس» (کلمهٔ Well) را در اینجا می‌توان بیانگر کم‌حصولگی «ادی» دانست) تحریر می‌کند و همانند یک کودک با او سخن می‌گوید. در بند ۱۰، نکتهٔ مهمی وجود دارد و آن این است که می‌از کلمه‌ای تابو برای اشاره به یک عضو بدن زن استفاده می‌کند. می‌لیز بخشی به نام «حسن تعبیر و تابو» در نظر گرفته بود که باور داشت بیانگر تبغیض جنسی در زبان است و این بخش از نظریهٔ می‌لیز برای کلمه‌ای که می‌استفاده می‌کند صادق است؛ زیرا آن کلمه برای ادی ناخوشایند است (او از کاربرد آن کلمه اجتناب می‌کند و سخنان می‌را نادیده می‌گیرد). علاوه بر مطالب ذکر شده، چون می‌از آن کلمه برای حمله کردن به ادی و قرار دادن او در تنگنا استفاده می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که می‌هم از معانی ضمنی مخرب آن کلمه آگاه است. در این قسمت طرح‌واره‌ها نیز نقش بسزایی دارد؛ زیرا می‌دیدگاه‌های قالبی - که می‌گوید آن کلمه در جامعهٔ معانی ضمنی مخربی دارد - را پذیرفته است. با توجه به این گفته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که کلمه‌ای که به عضوی از بدن زن اشاره دارد، معانی ضمنی مخربی دارد که وجود دیدگاه ضد فمینیستی در نمایشنامه را تأیید می‌کند.

۴- ۲. بخش دوم

در این بخش - که دنباله بخش اول است - ادی دلایل ملاقات با می را بیان می کند و با اینکه می در ابتدا می گوید که نیازی به ادی ندارد، درنهایت نشان می دهد که بدون او نمی تواند دوام بیاورد. ادی همچنان آرامش خود را حفظ می کند، در حالی که می احساسی است و سخننش به این اشاره دارد که نگرانی های او ناشی از احتیاج او به ادی است. درنهایت، می ذنی را که با ادی رابطه داشته است، تهدید می کند. همانند بخش اول، اهمیت این بخش به دلیل تصاویر مقاوتی است که از شخصیت مرد و زن ارائه می شود.

۱. ادی. او مدم از حالت با خبر بشم.

۲. می. نیازی به تو ندارم!

۳. ادی. باشه (آماده رفتن می شود) باشه.

۴. می. نرو!

۵. ادی. دارم میرم (ادی خارج می شود)

۶. می. (فریاد دردنگی سر می دهد) نرو! (ادی بازمی گردد)

۷. ادی. من چیکار کنم؟ ها؟ باید چیکار کنم؟

۸. می. خودت می دونی.

۹. ادی. چی رو؟

۱۰. می. تو من رو از بین خواهی برد.

۱۱. ادی. منظورت چیه؟

۱۲. می. یا خودت این کار رو می کنی یا پکی رو و ادار می کنی این کار رو بکنه.

۱۳. ادی. چه دلیلی داره این کار رو بکن؟ شوخی می کنی؟

۱۴. می. چون من سر راهت هستم.

۱۵. ادی. احمق نباش.

۱۶. می. تو خودت می دونی ازت باهوش ترم. تمام افکارت رو قبل از خودت می دونم.

۱۷. ادی. دارم سعی می کنم ازت مراقبت کنم می. می فهمی؟

{...}

۱۸. می (به آرامی سخن می گوید) می دونی که می کشمش

{...}

۱۹. ادی. این حرف‌ها رو دیگه نزن^{۱۰} - ۹ (Shepard, 1983: 9 - 10).

۴-۲-۱. تحلیل بخش دوم

در بند ۱، ادی با استنتاج به این نتیجه می‌رسد که می‌به کسی برای مراقبت از خود احتیاج دارد و امکان دارد که از این مسئله بهمنزله بهانه استفاده کند تا به ملاقات می‌بیاید؛ اما چون این دلیل خاص را انتخاب کرده است نشان می‌دهد که ادی از اطلاعاتی قالبی استفاده کرده که بهنظر او در این موقعیت صادق بوده است. این طرز تفکر مشکلات فراوانی از دیدگاه فمینیستی دارد و بر اساس دو گروه «پیشفرض و استنتاج» و «طرح‌واره‌ها» - که میلز بیان می‌کند - این طرز فکر ضدفمینیستی است. بند ۲ آنچه را گفته شد اثبات می‌کند؛ زیرا خود می‌به پیشفرض ادی اعتراض می‌کند و مجبور می‌شود بیان کند که احتیاجی به ادی ندارد. سخنان ادی در بند ۵ را می‌توان مادی-کنشی ارادی دانست، در حالی که جواب می‌«دردنگ» (کلمه «Agonized» برای فریاد می‌بهکار گرفته شده است) توصیف شده است که یک فرایند ذهنی درونی است؛ درنتیجه، در حالی که جرئت ادی بهدلیل سخنان قدرتمند و تهدیدآمیزش آشکار می‌شود، یک فرایند ذهنی به می‌نسبت داده شده که نشان‌دهنده دردی است که احساس می‌کند و به همین دلیل می‌بهمنزله تنها شخصیت زن - که در نمایشنامه سخن می‌گوید - ضعیفتر شناخته می‌شود. در بند ۱۰، بهنظر می‌رسد که می‌و خواننده هر دو این‌طور استنتاج می‌کند که شخصیت مرد دارای قدرت بیشتری است و این امر از دیدگاه فمینیستی قابل قبول نیست. برďفورد^{۱۱} (1997: 171) در تحلیل متئی کوتاه توضیح می‌دهد که به‌طور معمول خواننده‌ها «شخصیت قهرمان را با خواص مردانگی مرتبط می‌دانند» و این‌طور بهنظر می‌رسد که ادی در جایگاه مرد قهرمان قرار گرفته است؛ زیرا می‌تحمل دوری او را ندارد و شواهد بیانگر این است که او بهمنزله ناجی می‌شناخته می‌شود (بهدلیل پیشنهاد تأمین نیازهای می، وابستگی شدید می و غیره).

۴-۳. بخش سوم

اهمیت این بخش به این دلیل است که موقعیت کاملاً عکس موقعیت دو بخش قبلی شده است. بدین معنا که حالا ادی دارد از می درمورد مردی - که با او در ارتباط است - پرسش می‌کند. ادی سعی

می‌کند می را تحت فشار قرار دهد تا اطلاعاتی درمورد مرد ناشناس کسب کند و می در تلاش است تا چیزی دستگیر ادی نشود. می درمورد اینکه ادی قرار است چه بلایی سر آن مرد بیاورد نگران است؛ زیرا حرفهای ادی به‌گونه‌ای است که به‌نظر می‌رسد قرار است با آن مرد درگیر شود.

۱. ادی. این مرد قراره بیاد ملاقاتت. این مرد تازهوارد. خیلی جالبه. با خودم گفتم حتماً دیگه ترشیده شدی.

۲. می. خیلی لطف داری.

۳. ادی. چیه، یه «مرد جوان تره»؟

۴. می. هیچ ربطی به تو نداره.

۵. ادی. باهاش رابطه هم داشتی؟ (ناراحتی می در نگاهش به‌خوبی آشکار است و چشم از او برنمی‌دارد)، داشتی؟ فقط کنچکاو شدم (مکث). لازم نیست جواب بدی. خودم می‌دونم.

۶. می. تو مثل یه بچه رفتار می‌کنی، می‌فهمی؟ یه بچه نفهم (ادی مثل یک بچه نفهم رفتار می‌کند و به طناب انداختن ادامه می‌دهد).

۷. ادی. امیدوارم که اون مرد بیاد. واقعاً امیدوارم. می‌خواهم او مدنش رو با چشمای خودم ببینم.

۸. می. می‌خوای چیکار کنی؟ (ادی از طناب انداختن دست بر می‌دارد و رو به می‌می‌ایستد. ادی لبخند می‌زند).

۹. ادی. خوب مشت‌ومالش می‌دم، خوب. (سکوت. به همدیگر نگاه می‌کنند. ناگهان می‌می‌ایستد و از در سمت چپ بیرون می‌رود).

۱۰. می. من منتظر این کارها نمی‌مونم.

۱۱. ادی. کجا می‌ری؟ (ادی به سمتش می‌رود و دستش را می‌گیرد. می‌می‌چرخد و رو به روی ادی می‌می‌ایستد).

۱۲. می. دستت رو از من بکش!

۱۳. ادی. صبر کن، صبر کن. فقط یه لحظه، باشه؟ (مکث. رو به روی هم می‌می‌ایستند). بذار یه چیزی بگم. دیگه اذیت نمی‌کنم. مؤدب می‌شم. مطمئن باش. قول می‌دم. کاملاً بی‌آزار. می‌تونی بهش بگی برادرتم. البته، شاید بهتر باشه یه نسبت دیگه‌ای داشته باشیم.

۱۴. می. شاید یه نسبت دیگه.

۱۵. ادی. پسر عمو چطوره؟ خوبه؟ پسر عمومت می‌شم. فقط می‌خواهم ببینم. بعد می‌رم. قول می‌دم (Shepard, 1983: 20-21).

۴-۳-۱. تحلیل بخش سوم

در بند ۱، ادی از گزاره‌ای استفاده می‌کند (گزاره «you'd be hung out to dry» که معادل آن را می‌توان «ترشیده» بودن درنظر گرفت) که میلز نام آن را «گزاره از پیش آماده» نامیده بود. در بافت این متن، این گزاره بدین معناست که می‌بهدلیل سن زیاد دیگر مورد پسند مردی قرار نخواهد گرفت؛ درنتیجه، این گزاره برای نکوهش کردن می‌استفاده شده است؛ چون تصمیم دارد با مرد جدیدی آشنا شود، در حالی که ستش از حد خاصی گذشته است. همچنین، در این گزاره طرح‌واره‌ها هم دخیل هستند؛ زیرا ادی ایده‌های جامعه خود - مبنی بر اینکه زنان فقط تا سن خاصی باید رابطه داشته باشند - را پذیرفته است و بهدلیل آن ایده‌ها می‌را سرزنش می‌کند، به همین دلیل این گزاره از دیدگاه فمینیستی از دووجهه مشکلساز است. در بند ۳ بار دیگر ادی چون به آن مرد «مرد جوان‌تر» می‌گوید، به می‌توهین می‌کند و این گزاره را هم می‌توان بهمنزله گزاره از پیش آماده دانست که ادی می‌خواهد از سوی آن می‌را وادر کند احساس شرم کند. معانی ضمنی گزاره ذکر شده از دو طریق قابل اثبات است: اول آنکه در گیوه قرار گرفته است و دوم، بهدلیل جوابی که می‌در بند ۴ می‌دهد که نشان می‌دهد از دیدگاه ضد فمینیستی ادی راضی نیست. ادی در بند ۵ از کلمه «رابطه» (balled) استفاده می‌کند که مربوط به رابطه فیزیکی می‌با آن مرد است و کلمه انگلیسی در بخشی که میلز نام آن را «نام‌گذاری و مرد سالاری» نهاده بود قرار می‌گیرد. با اینکه ادی می‌را در جایگاه کشگر در یک فرایند مادری کشی - ارادی قرار می‌دهد (چون می‌گوید می‌رابطه را آغاز کرده)؛ اما چون از فعل «balled» استفاده کرده است - که مربوط به بدن مرد می‌شود - ادی پارادوکسی ایجاد کرده است که می‌همزمان هم کشگر و هم هدف بهنظر می‌رسد. کلمه ذکر شده را می‌توان مربوط با «خلأ و اژگانی» و «دیدگاه مرد سالاری» نیز در نظر گرفت؛ زیرا ادی با استفاده از کلمه‌های مربوط به مردان تجربه می‌را بیان می‌کند. تجربیات می‌از دیدگاه یک مرد روایت می‌شوند. بهدلیل فعل ذکر شده در اینجا، این‌طور می‌توان استنتاج کرد که حتی اگر رابطه فیزیکی از سوی زن آغاز شود، بهنظر می‌رسد آن زن فقط یک فرایند

مادی - کنشی غیرارادی را رقم زده است که عجیب بهنظر می‌آید؛ زیرا در نگاه اول سخنان ادی موضوع دیگری را تداعی می‌کند. نحوه سخن گفتن ادی طعنه‌آمیز بهنظر می‌آید و به همین دلیل، می‌توان گفت که می‌را تحقیر می‌کند و دیدگاه ضد فینیستی را ترویج می‌دهد.

در بند ۹، ادی را می‌توان بهمنزله کنشگر در یک فرایند دانست؛ زیرا می‌گوید آن مرد را «مشت‌ومال» (گزاره «mail his ass to the floor» بسیار تهدیدآمیز است) خواهد داد (آن مرد در فرایند هدف است) و ادی بهوسیله قول به انجام فرایند مادی - کنشی ارادی، می‌را تهدید می‌کند. جواب می‌هم یک فرایند مادی - کنشی ارادی است با این فرق که چون سعی دارد از ادی بگریزد، نسبت به ادی ضعیفتر بهنظر می‌رسد؛ درنتیجه، در حالی که ادی بهمنزله شخصیتی که می‌تواند خود را به دیگران (می) تحمیل کند شناخته می‌شود، می‌چون متوجه می‌شود که ناتوان است و نمی‌تواند مؤثر باشد، سعی می‌کند از ادی و تهدیدهایش دور شود. پیج^{۴۴} (81: 2010) توضیح می‌دهد که «تحلیل زبانی - که سبک‌شناسی فمینیستی را پشتیبانی می‌کند - به خودی خود هدف نیست؛ بلکه همواره مربوط به بافت‌ها و نقدهای گستردتری می‌باشد». نظر پیج نشان می‌دهد که با اینکه ادی و می‌هر دو در نقش کنشگر در فرایندهای مادی - کنشی ارادی قرار می‌گیرند، نکته تعیین‌کننده بافت متنی است.

۴-۴. بخش چهارم

این بخش ادامه بخش قبلی است و اهمیت آن به این دلیل است که حرف‌هایی که ادی در ارتباط با می و آن مرد می‌زند، تهدیدآمیز تر از قبل بهنظر می‌رسد. می به تلاش خود برای فرار از سخنان ادی ادامه می‌دهد و هنگامی که متوجه می‌شود که ادی هیچ نیت خبری ندارد، سعی می‌کند از بدتر شدن وضعیت با لغو کردن قرارش حلولگیری کند. این قسمت با تهدیدآمیزترین حرف ادی پایان می‌یابد که اشاره به خشن شدن او دارد.

۱. می. چرا می‌خوای ببینیش؟ فقط یک دوسته.
۲. ادی. فقط می‌خوام بدونم اخیراً مشغول چه کارایی هستی. همنشین یک آدم نشان‌دهنده شخصیت او نه.
۳. می. من دارم می‌رم بیرون. دارم می‌رم جای اون تلفن اون طرف خیابون. بهش زنگ می‌زنم و می‌گم قارمون بهم خورده. خوبه؟

۴. ادی. خوبه. منم تا برمی‌گردی و سایلیت رو جمع می‌کنم.
۵. می. ادی من با تو هیچ جا نمی‌دم! (ناگهان نور چراغ خودرویی از پنجره سمت راست، صحنه را روشن می‌کند (...). همینتو کم داشتیم.
(ادی می‌خندد و گلوبی تازه می‌کند)
۶. ادی. بدو برو بیرون. برو دیگه. بدو برو. خودتو پرت کن بغلش (ادی می‌خندد، به سمت تخت می‌رود، یک جفت چنگ از کمربندش جدا می‌کند. می‌نشیند. چنگکها را به کفش‌هایش وصل می‌کند (...). می‌به سمت تخت می‌رود، کیف را از شانه‌اش برمه‌دارد و به تخت آویزان می‌کند).
۷. می. چیکار می‌کنی؟
۸. ادی. چنگکها رو به کفشم وصل می‌کنم. می‌خوام برا اون «مرد» خوش‌تیپ بشم عزیزم. می‌خوام تأثیر خوبی روش داشته باشم. پس‌رعموتم دیگه.
۹. می. اگر آسیبی بهش برسونی ادی.
۱۰. ادی. آسیبی بهش نمی‌رسونم. من مرد خوبی‌ام، خیلی احساساتی‌ام. خیلی متمن‌ام.
۱۱. می. می‌دونی فقط یه دوسته، یه دوست ساده.
۱۲. ادی. مطمئنی؟ خب منم باهاش دوست می‌شم (Shepard, 1983: 21).

۴-۴. تحلیل بخش چهارم

در بند ۱، سخنان می‌حاکی از این است که او «پیش‌فرض و استنتاجی» را که می‌گوید او نباید دیگر با مردی رابطه داشته باشد پذیرفته است (حتی با اینکه ادی با زن دیگری رابطه داشته): چون می‌سعی دارد قرار ملاقاتش را پنهان کند، در حالی که از ارتباط ادی با زن دیگری باخبر است، می‌توان گفت که در نمایشنامه شخصیت مرد و زن یکسان به تصویر کشیده نشده‌اند. می‌از یک فرایند رابطه‌ای برای توصیف آن مرد به منزله یک «دوست» استفاده می‌کند و میلز (1995: 115) توضیح می‌دهد که فرایندهای رابطه‌ای در مقایسه با فرایندهای مادی نشان‌دهنده «انفعال» است. به این صورت، می‌حتی با اینکه احتمالاً می‌داند حق با او است، نمی‌تواند تأثیری بر ادی داشته باشد. در بند ۲، می‌از یک فرایند مادی کنشی ارادی استفاده می‌کند؛ اما این سبب نمی‌شود که بتوان گفت او منفعل نیست؛ زیرا او فقط بدلیل لغو قرارش سعی دارد از آنجا خارج شود؛ چون از واکنش ادی نسبت به آن مرد می‌ترسد. فرایند تماس با آن مرد او را هدف قرار می‌دهد و هیچ‌گونه تأثیری

بر ادی ندارد و حتی می‌توان نتیجه گرفت که کارهای می‌تأثیرگرفته از ادی است؛ درنتیجه، فرایندهای مادی - کشی ارادی - که می‌در آن‌ها دخیل است - نه تنها او را یک کنشگر فعال نشان نمی‌دهد؛ بلکه سبب منفعل شناخته شدن او می‌شود. در بند ۴، هنگامی که ادی از کلمه «خوبه» (کلمه «Good») بیانگر رضایت ادی از نتیجه بحث است) استفاده می‌کند، او در یک فرایند رابطه‌ای دخیل شده است؛ اما این فرایند اتفاعال او را نشان نمی‌دهد؛ زیرا موفق شد می‌را مجبور به لغو قرار ملاقاتش کند.

در بند ۸، ادی باری دیگر از یک کلمه نوازشی استفاده می‌کند که می‌توان گفت برای تحقیر می استفاده شده است و چون کلمه «مرد» در گیوه قرار گرفته، نتیجه این است که ادی شخصیت آن مرد را زیر سؤال می‌برد. سه فرایند رابطه‌ای ادی در بند ۱۰ (کلمات «nice»، «sensitive» و «civilized») که به معنای «خوب»، «احساساتی» و «متدب» بودن است) فقط به این دلیل استفاده می‌شود که می‌را گول بزند و احساس امنیت به او القا شود، در حالی که ادی مدام به طور غیر-مستقیم می‌و رابطه‌اش را تهدید می‌کند. پس این فرایندها نشان‌دهنده اتفاعال ادی نیست. در بند ۱۱، می‌بار دیگر از یک فرایند رابطه‌ای استفاده می‌کند که بگوید آن مرد فقط یک «دوست ساده» (عبارت «an ordinary date» بسیار محتاطانه به نظر می‌رسد) است. با توجه به اینکه می‌به تکرار این توصیف می‌پردازد حاکی از آن است که بهشت از واکنش احتمالی ادی می‌ترسد و مدام سعی دارد به هر صورتی که شده است واقعیت را از ادی پنهان کند. هدف اصلی ادی زمانی بر ملا می‌شود که قول می‌دهد با آن مرد دوست شود، در حالی که منظورش چیز دیگری است که نشان می‌دهد چرا می‌از او می‌ترسد. میلز می‌گوید که «هم است که شخصیت جنسیتی را به عنوان المانی در نظر بگیریم که در گفت و گو ساخته می‌شود» (2005: 275-276)؛ درنتیجه، واکنش می‌و تلاشش برای تغییر برنامه‌هایش به دلیل تهدیدات ادی، تصویر جالی را از شخصیت زن ارائه نمی‌دهد. در مقابل، ادی بر کارهای می‌اثرگذار است و فاصله‌اش را حفظ می‌کند و تمام فشارهای وارد از سوی می‌را نادیده می‌گیرد؛ درنتیجه، شخصیت مردانه به وسیله انتقاد از عادت‌های زنانه بر جسته شده است.

۵. نتیجه

از همان ابتدای نمایشنامه، ادی به منزله شخصیت فعل نشان داده می‌شود، در حالی که می‌من فعل

باقی می‌ماند. در این نمایشنامه، «پیش‌فرض و استنتاج» ادی نشان داد که می‌نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند و او به منزله هدف در فرایند مادی کنشی ارادی ادی قرار می‌گیرد که نشان می‌دهد می‌یک هدف منفعل بی‌قدرت و ادی کشگری قدرتمند است. این نکته با نظر کلنز که نمایشنامه را نقطه عطفی در کارنامه شپرد می‌نماد، متفاوض است؛ زیرا می‌شخصیت اثرگذاری نیست و درنتیجه شپرد نتوانسته است عادت همیشگی خود را ترک کند. حتی هنگامی که می‌ادی را در جایگاه هدف قرار می‌دهد، ادی هم همزمان همین کار را انجام می‌دهد با این تفاوت که می‌از نظر فیزیکی نیز ضعیفتر نشان داده می‌شود. متناسب با نظر وايتینگ، نکته گفته‌شده نشان می‌دهد که تصویری سنتی از شخصیت زن استفاده شده است. در بخش دوم، ادی باور دارد که کسی باید به می‌سر بزند و از احوالش باخبر شود. نتیجه آن این است که می‌بی‌قدرت و ضعیفتر نشان داده می‌شود. پیش‌فرض گفته‌شده حاکی از آن است که تصویری منفی از زن در نمایشنامه وجود دارد. قرار گرفتن فرایند مادی - کنشی ارادی ادی در کنار فرایند ذهنی - درونی می‌حاکی از ضعف می‌و برتری ادی است و این نکته تأییدکننده دیدگاه بنت است که می‌گوید، شخصیت‌های زن شپرد «تاتوان» هستند.

در بخش سوم، ادی از یک گزاره از پیش‌آماده استفاده می‌کند که اشاره دارد به اینکه می‌دیگر نباید با مردی رابطه داشته باشد و این امر به این دلیل استفاده می‌شود که به می‌القا کند که دیگر جذاب نیست و دید او نسبت به خودش را منفی کند. ادی از فرایندهای مادی - کنشی ارادی استفاده می‌کند تا می‌را تهدید کند که این خود ضعف و بی‌قدرتی می‌را حکایت می‌کند. گفتوگوهای بین ادی و می‌از سوی ادی کنترل و او به اوضاع چیره می‌شود تا زن همچنان تحت سلطه مرد باقی بماند. در بخش چهارم، می‌از یک فرایند رابطه‌ای استفاده می‌کند که اشاره به افعال او دارد؛ چون این فرایند برای پنهان کردن رابطه‌اش از ادی استفاده می‌شود، این خود دلیل دیگری برای منفعل شناختن می‌است. شخصیت می‌با توجه به اینکه نمی‌تواند تأثیری بر ادی داشته باشد، زیر سؤال می‌رود و می‌تنها به کارها و حرفهای ادی واکنش نشان می‌دهد. نکات گفته‌شده تأیید می‌کند تحلیل هال نقص می‌شود؛ زیرا به هیچ‌وجه تصویر مثبتی از می‌ارائه نشده است و صرفاً سخن‌گو بودن می‌ثبت نمی‌کند که تغییری در رویکرد شپرد صورت گرفته است.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Marowski
2. Fool for Love
3. Sara Mills
4. Callens
5. Whiting
6. Bennett
7. Hall
8. Smith
9. Bigsby
10. McDonough
11. Level Of the Word
12. Linguistic Determinism
13. Generic Pronouns
14. Generic Nouns
15. Women as the Marked Form
16. Naming and Androcentrism
17. The Semantic Derogation of Women
18. Endearments and Diminutives
19. Female Experience: Euphemism and Taboo
20. Lexical Gaps: Male Point of View
21. Dictionaries and Gatekeepers
22. Level of the Phrase/Sentence
23. Ready-made Phrases
24. Presupposition and Inference
25. Metaphor
26. Jokes and Humor
27. Transitivity Choices
28. Material
29. Mental
30. Relational
31. Action
32. Intention
33. Supervention
34. Actor
35. Goal
36. Level of Discourse
37. Characters/Roles
38. Fragmentation
39. Focalization
40. Schema

۴. ترجمه قسمت‌هایی از نمایشنامه که در این مقاله آورده شده است از سوی مؤلفان انجام شده است.

- 42. Kang & Wu
- 43. Bradford
- 44. Page

۷. منابع

- خدادادی، فضل‌اله و سید علی قاسم‌زاده (۱۳۹۷). «رویکرد گفتمان‌کنشی القایی در ادبیات داستانی». *جستارهای زبانی*. د. ۹. ش ۶ (۴۸). صص ۲۵ - ۴۷.

References:

- Bennett, S. (1993). When a Woman Looks: The ‘Other’ Audience of Shepard’s Plays. In *Rereading Shepard* (pp. 168-179). Palgrave Macmillan, London.
- Bigsby, C. W. E. (1998). “Blood and bones yet dressed in poetry: The drama of Sam Shepard”. In J. Callens (Ed.), *Sam Shepard: Between the margin and the center* (pp. 19-30). India: Overseas Publishers Association.
- Bradford, R. (1997). *Stylistics*. London: Routledge.
- Callens, J. (1998). “Sam Shepard: Between the margin and the center”. *Contemporary Theater Review*. 8(3).Pp: 1-18.
- Culpeper, J.; Short, M. & Verdonk, P. (1998). *Exploring the language of drama*. London: Routledge.
- Hall, A. C. (1993). “Speaking without Words: The Myth of Masculine Autonomy in Sam Shepard’s Fool for Love”. In L. Wilcox (Ed.), *Rereading Shepard* (pp. 150-167). London: Palgrave Macmillan UK.
- Khodadi, F., Ghasemzade, S.A. (2018). “Action-induction discoursal approach to narrative literature”. *Language Related Research* . 9(6).Pp: 25-47. [In Persian].
- Kang, C. & Wu, X. (2015). “The transitivity system and thematic meaning: A feminist-stylistic approach to Lawrence’s Lady Chatterley’s Lover”. *Theory and Practice in Language Studies*. 5(6). 1200-1205.
- Marowski, D. (1985). *Contemporary literary criticism*. S.K. Hall (Ed.). Detroit, MI:

Cengage Gale.

- McDonough, C. J. (1995). "The politics of stage space: Women and male identity in Sam Shepard's family plays". *Journal of Dramatic Theory and Criticism*. 9(2). 65-84.
- Mills, S. (1995). *Feminist stylistics*. London: Routledge.
- Mills, S. (2005). "Gender and impoliteness". *Journal of Politeness Research*. 1. Pp:263-280.
- Page, R. (2010). "New challenges for feminist stylistics: The case of Girl with a One Track Mind". *Journal of Literary Theory*. 4(1). Pp:81-97.
- Shepard, S. (1983). *Fool for love*. New York, NY: Dramatists Play Service, Inc.
- Smith, S.H. (1998). "Trying to like Sam Shepard". In J. Callens (Ed.), *Sam Shepard: Between the margin and the center* (pp. 31-42). India: Overseas Publishers Association.
- Whiting, C.G. (1990). "Images of women in Shepard's theatre". *Modern Drama*. 33(4). 494-506.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برگال جامع علوم انسانی